

## فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر ساختار مکانی - فضایی اقتصادهای توسعه نیافته

(کاربرد مدل‌های ونس Vance و کلی Kelley)

ژیلا سجادی

دانشگاه شهید بهشتی - گروه علوم زمین

چکیده

کنکاش پیرامون علل توسعه نیافتگی کشورهای پیرامونی (توسعه نیافته) از سالهای ۱۹۶۶ میلادی توجه جغرافیدانان را به نقش ساختار مرکز - پیرامونی اقتصاد جهانی در شکل گیری و تغییر ساختار مکانی - فضایی آنها جلب نموده است. اکثر بررسی های جغرافیایی که در قالب تحلیل مکانی - فضایی از مسائل توسعه این کشورها در این زمینه صورت گرفته، بیشتر به اثرات سرمایه داری صنعتی تاکید داشته، در حالی که ریشه توسعه نیافتگی این کشورها اغلب به عصر مرکانتالیسم (از ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی) که اساس ساختار مرکز- پیرامونی اقتصاد جهانی برگرفته از آن است برمی گردد.

این مقاله تحلیلی است بر چگونگی تأثیر فرایند مرکانتالیسم در شکل گیری و دگرگونی ساختار مکانی - فضایی اقتصادهای توسعه نیافته با استفاده از مدل‌های کاملاً جغرافیایی ونس Vance و کلی Kelley. هدف عمده مقاله ارائه نگرشی تجربی در راستای برخوردی علمی و واقعی در درک چگونگی سازمان یابی فضا جهت اجرای فعالیت های مرکانتالیستی است. در واقع در پی پاسخ به این سوال است که چگونه فعالیت‌های مرکانتالیستی منجر به شکل گیری و تغییر در ساختار مکانی - فضایی کشورهای توسعه نیافته شده است.

واژه های کلیدی: فرآیند، ساختار مکانی - فضایی، مرکانتالیسم

## مقدمه

در شکل گیری و تغییر ساختارهای مکانی - فضائی کشورهای توسعه نیافته (پیرامونی) توجه به نقش اقتصاد جهانی، بعنوان نیروی بیرونی موثر را نباید نادیده گرفت. اقتصاد جهانی و مکانیسم آن در یک نظام مرکز - پیرامونی از سالهای ۱۵۰۰ میلادی که شروع رشد نظام مرکز - پیرامونی اقتصاد جهانی محسوب می گردد، در راستای حفظ و گسترش اهداف خود بامتأثر کردن ساختارهای اقتصادی - اجتماعی (از طریق سازماندهی مجدد عوامل تولید) به شکل گیری و دگرگونی ساختارهای مکانی - فضائی این کشورها پرداخته است. بدیهی است که با توجه به نقش و جایگاه هر کشور پیرامونی در این نظام، تأثیرپذیری آن بیشتر یا کمتر بوده است. اغلب در بررسیهای جغرافیایی از تأثیر اقتصاد جهانی در قالب تحلیل مکانی - فضائی (Spatial analysis) از مسائل توسعه یا کم رشدی کشورهای توسعه نیافته، بیشتر بر تأثیر سرمایه داری صنعتی تأکید می شود، در حالیکه ریشه های نظام مرکز - پیرامونی (Core-periphery) به مرکانتالیسم یا سرمایه سوداگر (سوداگری تجاری) برمی گردد. لذا جهت درک بیشتر از شکل و تغییرات ساختارهای مکانی - فضائی این کشورها مطالعه جغرافیای تاریخی این ساختارها (سازمان یابی فضا) به عنوان یک فرآیند ضروری به نظر میرسد. هر چند که به دلیل کمبود اطلاعات بی بردن به (درک این فرایند) این ساختارها کاری بس دشوار است ولی نباید فراموش کرد که جهت درک وضعیت موجود باید به گذشته برگشت. شایان ذکر است آنچه که به عنوان جهانی شدن (Globalization) طی دو دهه اخیر برای بیان پیچیدگی روابط مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در دنیا مطرح گشته، پدیده جدیدی نبوده و ریشه آن به اوائل قرن شانزدهم میلادی یعنی به شروع فعالیتهای مرکانتالیستی که منجر به ارتباط مناطق مختلف دنیا از طریق تجارت و نتیجتاً ایجاد نظام مرکز - پیرامونی اقتصاد جهانی گشته برمی گردد. در حقیقت پیچیدگی روابط کنونی در سطح جهانی در ادامه فرایندی است که از عصر مرکانتالیسم تا به امروز به اشکال مختلف ظاهر گردیده است (۱).

## مرکانتالیسم

مرکانتالیسم که اساس شروع و رشد ساختار مرکز - پیرامونی اقتصاد جهانی و تقسیم بین‌المللی کار برگرفته از آن است، به سیاست آندسته از کشورهای اروپایی که کسب قدرت را از طریق افزایش ثروت ملی در گرو کنترل تجارت، کشتیرانی و فعالیت‌های صنعتی دنیای قرون هفدهم و هیجدهم می‌دیده‌اند، گفته می‌شود. (۲) ایده مرکانتالیستی بر این اصل که ثروت ملی باید از طریق ایجاد تجارت نابرابر با کشورهای پیرامونی، افزایش یابد استوار بود. در این راستا باید مراد خام مورد نیاز به حداقل قیمت خریداری و کالاهای ساخته شده بالاترین قیمت به فروش می‌رسید. نتیجه این چنین سیاستی عدم تراز پرداختی به نفع کشورهای مرکز، ایجاد می‌کرد که می‌بایست به صورت طلا و نقره به کشورهای مرکز، پرداخت می‌شد. انتقال طلا و نقره که در آن زمان قدرت اقتصادی محسوب می‌گردید مبنای قدرتمند شدن این کشورها را فراهم آورده و رکود اقتصادی سیاسی قرون وسطی را جبران می‌نمود. اهمیت حفظ این سیاست را می‌توان از یادآوری «Munn» در سال ۱۶۲۲ استنباط کرد «ما همواره باید بخاطر داشته باشیم که سالانه کالاهای بیشتری به نسبت ارزش کالاهایی که از بیگانگان خریداریم، بفروشیم.» (۳)

مرکانتالیسم جهت حفظ و بسط نفوذ خود همواره طالب حمایت دولت‌ها، بویژه به انحصار در آوردن بازار کالاهای ساخته شده خود بودند. با این سیاست و اهداف از قبل تعیین شده، مرکانتالیسم حرکات جستجوگرانه را آغاز و به کشف دنیایی که سرانجام به جهان توسعه نیافته تبدیل شد، پرداختند. هر چند که حرکات مرکانتالیستی و رقابت در این زمینه را می‌توان به ملل اروپایی چون اسپانیا، پرتغال، هلند، فرانسه و انگلستان نسبت داد، ولی نباید فراموش کرد که تنها سوداگران انگلیسی با تأسیس کمپانی هند شرقی و برخورداری از حمایت دولت، توأم با اجرای دقیقی از سیاست سوداگری، موفق به دفع رقبا و حاکمیت بر ساختار مرکز - پیرامونی اقتصاد جهانی شدند. بدیهی است که سازماندهی تجارتی مبتنی بر این سیاست، نیاز به ساختار مکانی خاصی داشت که فقط از طریق ایجاد تغییرات در ساختار مکانی فضائی قدیمه میسر بود.

فرایند مرکانتالیسم و ساختارهای مکانی - فضائی متج از آن در قالب تحلیل مکانی - فضائی، از علل عقب ماندگی کشورهای توسعه نیافته از سال ۱۹۴۶ میلادی به بعد که سالهای تغییرات سیاسی اقتصادی جهان محسوب می گردد، توجه جغرافی دانان را به خودجلب کرده است . زیرا بسیاری از پدیده های کم رشدی کشورهای توسعه نیافته ناشی از کاستی در کارکرد ساختار مکانی - فضائی آنهاست که پوشش در این راستا، محققین را به مطالعه عملکرد ساختار اقتصاد جهانی ملزم می کند.(۴) در حقیقت بدون توجه به تاثیر اقتصاد جهانی ،هر تحلیلی از ساختارهای مکانی - فضائی کشورهای پیرامونی علمی و عملی نخواهد بود.

### مدل مرکانتالیستی ونس (Vance Mercantile Model)

اثرات مکانی - فضائی مرکانتالیسم(سرمایه سوداگر)را در کشورهای مرکز و پیرامون،می توان از مدل ونس (Vance) استنباط کرد. ونس در کتاب خود تحت عنوان دنیای بازرگانان که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد، به اهمیت نقش عمده فروشی (Wholesaling) و تشکیلات آن در ایجاد شهرها و مادر شهرهای تجاری و در نهایت سلسله مراتب سکونت گاهی (Settlement Hierarchy) پرداخته است. (۵) به اعتقاد این جغرافیدان آمریکائی که عمده فروشی را مترادف با تجارت راه دور یا تجارت خارجی بکار گرفته است ، رابطه عمده فروشان در مکان های مختلف در راستای سازماندهی عرضه و تقاضا (جمع آوری و توزیع کالاهای صادراتی و وارداتی) در ایجاد سلسله مراتب سکونت گاهی و کانون های مرکزی (Central place)؛ از اهمیت خاصی برخوردار است . در این مدل نقش اصلی در ایجاد سیستم سکونت گاهها، بعهدہ عمده فروشی و تشکیلات آن است . توسعه این سیستم بستگی به ارتباطی که از طریق تجارت راه دور بین نقاط ایجاد شده ، دارد. بنابراین پیدایش و توسعه سلسله مراتب از طرف بندر شهرهای تجاری ، که خود در نتیجه تجارت راه دور ایجاد شده اند، صورت می گیرد.بعبارت دیگر توسعه سیستم به اصطلاح از بالا به پائین است. بنابراین نیروی تغییرات در این سیستم بیرونی (External) بوده، عمده فروش، تعدادی تولیدکننده کالاهای خاصی را در نقاط مختلف بهم مرتبط ساخته ، ولی به دلیل بعد مسافت ،

تولید کنندگان با مصرف کنندگان در تماس مستقیم نبوده، که در نتیجه، این چنین رابطه تجاری منجر به ظهور نظام سلسله مراتب سکونت گاهی می گردد. (۶)

مدل ونس در واقع نقدی بر تنوری مکان مرکزی کریستالر Christaller (منتشره در سال ۱۹۳۳) و راه متفاوتی را که از طریق آن سکونت گاههای واقعی تکامل می یابد، دنبال کرده است. (۷) زیرا در مدل مکان مرکزی کریستالر (Christaller's Central Place Model)، بیشتر به تأثیر عوامل درونی توجه شده و نقش عوامل بیرونی چون عمده فروشی و روابط بین ناحیه ای منتج از آن، نادیده گرفته شده است. در واقع سلسله مراتب در نتیجه رابطه بین خرده فروشان و مصرف کنندگان بوجود آمده است. بدین معنی که نیروی تغییرات، درونی و از پائین به بالا است. (۸) از این رو تحلیل ساختارهای مکانی - فضائی اقتصادهای توسعه نیافته از طریق مدل کریستالر عملی نخواهد بود. از آنجا که عوامل تعیین کننده مدل ونس با کریستالر متفاوت است نباید این مدل را جایگزین مدل کریستالر دانست، بلکه می توان از آن بعنوان مکمل استفاده نمود.

ضعف مدل کریستالر در عدم کاربرد آن در تحلیل ساختار مکانی - فضائی اقتصادهای توسعه نیافته که متکی بر عوامل بیرونی اند می باشد (سیستم باز) در حالیکه در مدل ونس تحلیل ساختار مکانی - فضائی اقتصادهای توسعه یافته که متکی بر عوامل درونی اند، کاربرد بیشتری دارد. ونس از دیدگاه جغرافیدانان تاریخی به تکامل سکونت گاهها و نظام سلسله مراتب منتج از سرمایه سوداگر، پرداخته و تنوری خود را در پنج مرحله ارائه داده است. (شکل شماره ۱) عبارت دیگر رابطه مرکز - پیرامونی اقتصاد جهانی (مرکانتالیسم) و تأثیر آن راه هم در اقتصادهای توسعه یافته (سمت راست تصویر) و هم توسعه نیافته (سمت چپ تصویر) بخوبی نشان داده است. (۹)

مرحله اول: این مرحله همانطور که تصویر شماره ۱ نشان می دهد، به جستجو و جمع آوری اطلاعات در رابطه با توان اقتصادی، تهیه مواد اولیه مورد نیاز و بازار جهت کالاهای ساخته شده کشورهای مرکز، خلاصه شده است.

مرحله دوم: در این مرحله به دنبال برآوردی از توان اقتصادی و استقرار اولیه، جهت ورود و صدور کالا در مقیاس کم در کنار سیستم محلی شروع شده است. بدیهی است که گسترش اولیه ارتباط، بستگی به قدرت خرید کشورهای پیرامونیتوان تولید کشورهای مرکز داشته است. مرحله سوم: با افزایش حجم تجارت و نیاز به سازماندهی مناسب فضا، شهرهای مرکانتالیستی (تجاری) بعنوان نقاط ارتباطی افزایش یافته و گسترش حوزه نفوذ تجارت، منجر به افزایش تقاضای این نقاط جهت جمع آوری اقلام صادراتی و سایر امکانات می گردد.

مرحله چهارم: گسترش تجارت راه دور و پیدایش نقاط ارتباطی، منجر به شروع رشد تجارت داخلی بین این نقاط شده و در نتیجه پاره ای از این نقاط، رشد و توسعه بیشتری پیدا کرده و بعنوان نقاط تمرکز فعالیت عمده فروشان (کانون های مرکزی)، انتخاب شده و شروعی برای ایجاد سلسله مراتب سکونت گاهی با ویژگی مدل مکان مرکزی خواهد شد.

مرحله پنجم: در آخرین مرحله این مدل، سکونت گاهها و نظام سلسله مراتبی، براساس هردو مدل مکان مرکزی کریستالر و مدل مرکانتالیستی ونس تکامل می یابد. رشد کانونهای مرکزی و ارتباط این کانونها با حوزه نفوذشان زمینه هر دو فعالیت های بیرونی و درونی (صادراتی و وارداتی) منجر به ایجاد سلسله مراتب نامنظمی با مکانهای مرکزی به صورت شش ضلعی های نامنظم (۱۰) (برخلاف مکان مرکزی کریستالر که بصورت شش ضلعی های منظم است) در کشورهای پیرامونی شده و گسترش فعالیت کانونهای مرکزی بعنوان مراکز صادراتی و وارداتی منجر به گسترش حوزه نفوذ آنها و نهایتا حوزه نفوذ متروپلهای تجاری یا بنادر که در بالاترین سطح سلسله مراتب سکونت گاهی قرار دارند، می گردد. (۱۱) در این فرایند شهرهای تجاری تعیین کننده مراکز عمده (مکانهای مرکزی) می باشند که سازماندهی داخلی را جهت خرده فروشی به عهده دارد.

مراحل فوق به وضوح چگونگی عملکرد مرکانتالیسم در ایجاد سلسله مراتب سکونت گاهی کشورهای پیرامونی را نشان می دهد. در واقع می توان گفت که سوداگران پس از کسب اطلاعات از توان تجاری کشورهای پیرامونی در راستای جمع آوری کالاهای خام مورد نیاز و عرضه کالاهای ساخته شده، حوزه نفوذ فعالیت خود را از اولین نقطه تماس (عمدتا بنادر) به

درون این کشورها گسترش داده و با سازماندهی تجاری برای سهولت جریان کالا زمینه ایجاد سلسله مراتب نامنظمی از چند سطح که پایین ترین مراکز تولید را به بالاترین مراکز جمع آوری و صادرات کالا مرتبط می ساخته گردیدند. تصویر سمت چپ نمودار شماره ۱ به روشنی شروع و روند تکامل این سلسله مراتب را نمایش داده است. قابل ذکر است که تکامل این سلسله مراتب بستگی به رشد و توسعه هر چه بیشتر بندر شهرهای تجاری به عنوان مهمترین مراکز جمع آوری کالا برای صادرات بمنزله بالاترین سطح در سلسله مراتب تجاری داشته است. به این ترتیب می توان مدل ونس را در ارتباط با تکامل سلسله مراتب سکونت گاهی بسیاری از کشورهایی که به گونه ای در رابطه با سرمایه سوداگر بوده اند، واقع بینانه تر تلقی نمود. لازم به ذکر است که کاربرد این مدل در سرزمینهای بکر، بیشتر از سرزمینهایی است که قبل از شروع فعالیت های مرکانتالیستی به گونه ای دارای سازماندهی تجاری (چه بر مبنای تجارت خارجی و چه داخلی) بوده که به تبع آن از سلسله مراتب سکونت گاهی برخوردار می باشد. زیرا در این صورت سرمایه سوداگر، برای شروع مجبور به استفاده از همان راه های سنتی (ساختار قدیم) بوده و با وجود ایجاد تغییرات، عملکردش ضعیف تر از آنچه که در مدل ذکر شده می باشد. بی تردید عملکرد این مدل به مراتب از مدل کریستالر بیشتر بوده، بطوریکه برخی مواقع محققینی که در شروع کار مدلهایی غیر از مدل ونس مانند مدل کریستالر را انتخاب کرده در جریان کار متوجه ارزش و کاربرد این مدل بیشتر از مدلهای برگزیده خود گشته اند. (۱۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی پژوهشی علوم انسانی

مدل مکان مرکزی شاخه ای کلی (Kelley)

مدل کلی را می توان کوششی در راستای توسعه مدل مرکانتالیستی ونس تلقی کرد که باصراحت بیشتری تشکیلات مکانی متج از فعالیتهای عمده فروشی را ارائه کرده است. او چگونگی نقش کالاهای صادراتی را در ایجاد تشکیلات مکانی خطی، که شباهت به مدل مکان مرکزی شاخه ای Denderitic Central Place Model داشته نشان داده است. (۱۳)

این مدل سلسله مراتبی را از مراکز تجاری با چهار سطح، که از طریق جمع آوری کالا جهت صادرات باهم در ارتباط اند ارائه می دهد. (شکل شماره ۲).

وسعت و اهمیت مراکز سطوح پائین تر با افزایش مسافت از بالاترین سطح مرکز عمده شهری (Urban Primate Center) که مقصد اصلی تمام کالاهای تولید شده در سطوح پائین و همچنین مرکز عمده توزیع کالاهای وارداتی است؛ کاهش می یابد. بنابراین هر قدر فاصله بالاترین مرکز بیشتر باشد، وسعت و اهمیت آن نقطه کمتر خواهد شد. این مدل که خاص اقتصادی عقب افتاده است، نشانگر جریان کالا جهت صادرات از پائین ترین مرکز سطح به بالاترین مرکز به شکل سلسله مراتب خطی است. بدین معنی که پائین ترین و بالاترین مرکز سطح، در این سیستم در رابطه مستقیم تجاری نبوده، بلکه این رابطه از طریق سطوح میانی صورت می گیرد؛ زیرا در این سلسله مراتب هر مرکز سطح تنها با مرکز سطح مابعد و ماقبل خود در تماس است. در چنین سلسله مراتبی بعلت محدود بودن تعداد مراکز سطوح بالاتر (کانون های مرکزی) در مقایسه با مراکز سطوح پائین تر، تولید کننده بدلیل هزینه حمل و نقل ناشی از بعد مسافت ناگزیر به ارائه تولیدات خود تنها به مرکز سطح بالاتر از خود بوده است. این امر منجر به افزایش رقابت بین تولیدکنندگان (فروشنندگان کالا) و به تبع آن جریان کالا باقیمت نازل تر به سطوح بالاتر و در نهایت اهداف سوداگر را که خرید کالاهای ارزان قیمت بود رابرآورده می ساخت. در حقیقت یکی از ویژگی های این سیستم سکونت گاهی، فزونی تعداد مراکز سطوح پائین تر به نسبت سطوح بالا است (به همین جهت این مدل مکان مرکزی شاخه ای نامیده می شود). به عبارت دیگر سیستمی است که در آن یک یا اندکی از شهرهای بزرگ (مکان مرکزی) بر تعداد وسیعی از مراکز کوچک که به سبب اقتصادی و اداری کم اهمیت تر بوده، مسلط اند. (۱۴) این مدل شباهتی به مدل K7 (سلسله مراتب اداری) کریستالر دارد که برخلاف K3, K4 نسبت سطوح پائین تر به بالاتر (مکان مرکزی) بیشتر است. در نتیجه واگرایی شبکه عمده فروشی به طرف یک کانون مرکزی منجر به تسلط آن مرکز به شبکه اقتصادی ناحیه شده، در حالی که توسعه اقتصادی این مرکز در نتیجه حوزه نفوذ



آن است. بدین ترتیب رابطه بین کانون مرکزی و سطوح پائین تر رابطه ای است شمار گونه بوده که منجر به زهکشی منابع، جمعیت و سایر امکانات به این کانون می گردد، خصوصاً که تمرکز فعالیت های اداری و سیاسی ناحیه در همان مرکز، به این کنترل کمک می کند. بنابراین هر قدر تولید کننده به مراکز جمع آوری کالا نزدیک تر باشد به نسبت از مزیت بیشتری (در رابطه با قیمت فروش کالا) برخوردار بوده و از این دیدگاه مدل شاخه ای شباهت به مدل "Von Thuen" دارد که در آن بعد مسافت تولیدکنندگان از مکان مرکزی تعیین کننده قیمت کالا است. (۱۵) هر چند که این مدل را می توان بررسی اثرات فعالیت های عمده فروشی بر سیستم مکان مرکزی تلقی کرد، ولی تفاوت آن با مدل کریستالر نه تنها در نسبت مکان های مرکزی به مراکز سطوح پائین تر است (در مدل کریستالر نسبت به مکانهای مرکزی به مراکز سطوح پائین تر، حساب شده است) بلکه مهمتر از همه، نقش عمده فروشی در این سیستم است که سرانجام مرکز عمده ناحیه را به کانالهای مهم تجاری نواحی دیگر یا کشور متصل می نماید.

بطور کلی می توان ویژگی های مدل مکان مرکزی شاخه ای «کلی» را اینگونه خلاصه کرد:

- ۱) این مدل، سلسله مراتبی از مراکز تجاری است که اهمیت و وسعتشان با افزایش مسافت از بالاترین سطح کاهش می یابد.
- ۲) در این سیستم برخلاف مدل مکان مرکزی کریستالر تمامی مراکز سطوح پائین تر فقط بایک مرکز سطح بعدی (بالاتر) خود در تماس بوده، در نتیجه نفوذ مرکز برتر، در کنترل تجارت مراکز پائین تر، بیشتر می باشد.
- ۳) در این سیستم مراکز سطوح بالاتر منابع، جمعیت و سایر امکانات مراکز سطوح پائین تر را زهکشی کرده، در نتیجه هر قدر شبکه تجاری هر مرکز وسیع تر، دامنه این زهکشی هم وسیع تر خواهد بود و بر اهمیت آن مرکز نیز می افزاید.
- ۴) تمرکز قدرت اداری و سیاسی در بالاترین مرکز سطح که عمده ترین مرکز جمع آوری کالانیز می باشد، موجب کنترل بیشتر آن بر شبکه تجاری حوزه نفوذش می گردد.

مدل شاخه ای کلی را می توان یک سیستم مکان مرکزی نامنظمی تلقی کرد که دارای کاربرد قابل توجهی، بیش از سایر مدل‌هایی است که تاکنون در زمینه تحلیل منطقه ای اقتصادهای عقب افتاده ارائه گشته، می باشد. کاربرد این مدل در تحقیقات مختلفی توسط «کلی» و سایرین به اثبات رسیده است. (۱۶) بدیهی است که تائید یا رد کاربرد این مدلها نیاز به اطلاعات کافی در رابطه با سیستم سکونت گاهی، سیاسی اداری، تجاری و همچنین چگونگی جریان کالا، حجم و ماهیت کالاهای وارداتی و صادراتی دارد. زیرا فقط در صورت داشتن اطلاعات کافی است که می توان از این مدلها بعنوان بیان ساده ای از واقعیت استفاده نمود.

### جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی تکوین تاریخی ساختارهای مکانی - فضائی کشورهای توسعه نیافته (پیرامونی) بدون در نظر گرفتن نقش اقتصاد جهانی در شکل گیری و تغییرات این ساختارها علمی و عملی نخواهد بود.

جهانی شدن اقتصاد از شروع عصر مرکانتالیسم که می توان آن را نقطه شروعی برای فرایند جهانی شدن نیز تلقی کرد، تا به امروز در تکوین ساختارهای مکانی - فضائی این کشورها نقش داشته است.

سیاست مرکانتالیستی برای رسیدن به اهداف از قبل تعیین شده خود (ایجاد تجارت نابرابر، از طریق خرید موادخام کشورهای توسعه نیافته با نازل ترین قیمت و فروش کالاهای ساخته شده کشورهای توسعه یافته با بالاترین قیمت)، نیاز به سازمان یابی فضاهای مناسب جهت سهولت در جمع آوری و جریان کالا از مراکز تولید به مراکز عمده صادراتی (بیشتر بنادر) داشته است. از اینرو همانطور که در مراحل پنج گانه مدل مدنس اشاره شد، سوداگران با جستجوی اولیه برای مراکز تولید مواد خام مورد نیاز و بازار مناسب برای کالاهای ساخته شده، اولین حرکات را در شکل گیری و تغییرات ساختارهای مکانی - فضائی کشورهای پیرامونی آغاز نمودند. بطور طبیعی افزایش تقاضا برای مواد خام در کشورهای توسعه یافته (مرکز) و لزوم تشکیلات منظم تر و کارا برای جریان کالا، منجر به پیچیدگی و تغییرات

بیشترین ساختار می شده است. به عبارت بهتر هر تغییری در اهداف تجاری منجر به تغییری در این ساختار می گردیده است. در واقع میزان تأثیر اقتصاد جهانی در عصر مورد نظر در تکوین ساختارهای مکانی - فضایی کشورهای پیرامونی، بستگی به جایگاه و نقش آنها در ساختار اقتصاد جهانی با تقسیم بین المللی کار (به عنوان تهیه کننده مواد خام و مصرف کننده کالاهای ساخته شده) داشته است.

پوش پیرامون ساختارهای مکانی - فضایی منتج از فرایند مرکانتالیسم تحت عنوان تحلیل مکانی - فضایی از پدیده های کم رشدی بعد از سالهای ۱۹۴۶ (سالهای تغییرات سیاسی - اقتصادی جهان) است که توجه جغرافی دانان را به خود جلب کرده است زیرا نارسائی کارکردی این ساختارها را که تحت تأثیر نیروی بیرونی شکل گرفته اند عامل توسعه نیافتگی پاره انی از این کشورها دانسته اند. بنابراین در راستای تحلیل چگونگی این ساختارها در قالب تحلیل منطقه انی از اقتصادهای توسعه نیافته، نظریات و مدل های گوناگونی از دیدگاه های مختلف ارائه شد، که در میان آنها مدل «ونس» و «کلی» با صراحت و واقع بینی بیشتری به چگونگی تأثیر اقتصاد جهانی (سرمایه سوداگر) بعنوان عامل بیرونی در تکوین این ساختارها پرداخته اند. بدین معنی که عمده فروشی و رابطه بین عمده فروشان را عامل تکوین این ساختارها می دانند. به عبارت دیگر جریان کالا از مراکز تولید به اندکی از مراکز جمع آوری (در سطوح بالاتر) و سرانجام به مرکز عمده صادرات، منجر به ایجاد سلسله مراتب سکونت گاهی به شکل خطی در کشورهای پیرامونی شده و با توجه به موقعیت مکانی، پاره انی از این مراکز (که معمولاً محل استقرار نماینده شرکتهای مرکانتالیستی و مراکز عمده جمع آوری کالا نیز می باشند) به کانون های مرکزی تبدیل شده اند. بنابراین مکانیسم تعیین کننده این مراکز در سلسله مراتب سکونت گاهی بستگی به دوری و نزدیکی آنها با تنها مرکز عمده صادراتی داشته است. فزونی مراکز تولید (پائین ترین سطوح در سلسله مراتب) به نسبت مراکز جمع آوری (کانونهای مرکزی) منجر به رقابت بین فروشندگان و در نتیجه جریان کالای ارزان قیمت به سوی مراکز صادراتی که از جمله اهداف مرکانتالیستی بوده، می گردیده است.

در پایان قابل ذکر است که مدلهای فوق (به ویژه مدل ونس) در هر برهه زمانی از اقتصاد سرمایه داری که مبتنی بر روابط تجاری مرکز - پیرامونی باشد به نحو بارزی مصداق پیدا کرده و در حقیقت زبان ساده ای برای بیان چگونگی سازمان فضایی اقتصاد جهانی محسوب می گردد.

- 1- Hoogvelt, A.,(1997) Globalization and the Postcolonial Word, Hong Kong: Macmillan Press pp. 15-28
- 2-Dickenson, J.P.,(1998): A Geography of the Third World; London: Methuen p.262
- 3-Short, J.R,(1989): An Introduction of Political geography; London Roudlege p.13
- 4-Hoyle, B.(ed)(1974): Spatial Aspects of Development; London: Wiley p.5
- 5- Vance, J.E. (1970):The Merchant's World: The Geography of Wholesaling; Englewood Cliff: Prentice Hall
- 6-Berry, B.J.L., Conkling, E.C., and Ray, D.M. (1976) the Geography of Economic Systems; Englewood Cliffs: Prentice Hall p.237
- 7-Haggett,P., (1983) Geography: A Modern Synthesis, Third edn: New York, P.378
- 8-Haggett, P.379
- 9-Potter, R.B., (1992) Urbanization in the Third World; Oxford: Oxford University Press.

۱۰- در سیستم سکونت گاهی منظم ، بدلیل یکسان بودن وسعت عملکرد، شهرها در فواصل یکسانی از هم قرارگرفته ، در نتیجه شکل هندسی شش ضلعی منظم دارند. درحالیکه در طرح شش ضلعی نامنظم (سلسله مراتب سکونت گاهی نامنظم) بدلیل یکسان نبودن عملکرد، شهرها در فواصل منظمی، قرار نمی گیرند.

11-Haggett, P; (2201) Geography; A Global Synthesis; England: University of Bristol pp.440-441.

12- Ibid.

13-Johnson, G.A., (1973) The Organization of Space in Developing Countries. Cambridge: Harvard University Press, P.123 .

14-Sajadi,J., The English East India Company's Trade with an Iranian Port at the end of 18<sup>th</sup> and beginning of the 19<sup>th</sup> century: A Geographical study, Ph.D. Thesis (University of Southampton 1985) p.255-266

15-Ibid

۱۶- لازم به ذکر است که نگارنده نیز جهت درک و بازساخت ساختار مکانی - فضایی فعالیتهای تجارتی کمپانی هندشرقی انگلستان با ایران (از طریق بندر بوشهر) از ترکیب دو مدل «ونس» و «کلی»، استفاده نموده است .